

(قدرت ابوالحسنی سهلان و جلیل یاری، چاپ شده در ماهنامه اوزان (تهران)، فروردین ماه سال ۱۴۰۰، شماره ۲۰)

(۱) مقدمه

در این مقاله ابتدا روستای ساغالان معرفی خواهد شد. سپس در مورد اسم روستا و نام رسمی آن، سهلان، بحث خواهد گردید. آنگاه یک سند تاریخی، مربوط به حدود ۳۰۰ سال پیش، بازخوانی خواهد شد که زمان اشغال این روستا توسط عثمانیهاست. در نهایت هم نتیجه گیری از مباحث خواهد بود.

(۲) معرفی روستای ساغالان

روستای ساغالان یکی از روستاهای استان آذربایجان شرقی است که در دهستان آجی‌چای بخش مرکزی شهرستان تبریز واقع شده است. ساغالان در ۱۰ کیلومتری شمالغرب تبریز و ۲ کیلومتری جاده اصلی تبریز-صوفیان قرار دارد. بعلاوه مسیر خط آهن تبریز-جلفا نیز از داخل آن عبور نموده است. شکل ۱، مکان این روستا را در نقشه رسمی مابین شهرهای تبریز و صوفیان و نیز میان روستاهای منطقه نشان میدهد.

محل انشعاب راه ساغالان از جاده اصلی در نزدیکی پل تاریخی و مشهور سینیق (سینیخ) میباشد و همانطوریکه در مقاله اولیا چلبی و روستای سهلان چاپ شده در ماهنامه ائل بیلیمی ذکر گشته، پل سینیق یعنی پل شکست و وجه تسمیه آن به شکست قوشون عثمانی از نادرشاه در این حوالی مربوط میشود. قابل ذکر است که پیروزی نادرشاه در سال ۱۱۴۲ قمری اتفاق افتاده و دو سال بعد از زمان سند تاریخی بازخوانی شده در این مقاله میباشد. در مقاله اولیا چلبی و روستای سهلان مذکور، راجع به سفر سال ۱۰۵۰ قمری اولیا چلبی (سیاح مشهور عثمانی) به این روستا مباحث تاریخی مختلفی مطرح گشته است. چلبی، روستا را آباد و بزرگ و دارای ۱۰۰۰ خانوار توصیف نموده است که آن سند حدوداً ۴۰۰ ساله قدیمترین سند مشاهده شده راجع به ساغالان تاکنون هم است. در آن مقاله بر بزرگ بودن روستا در آنزمان صحنه گذارده شده و بر مکان آنزمان روستا در محلی بنام کندیئری بودن دلیل آورده شده است. همچنین دلیل اصلی از بین رفتن روستای بزرگ، زلزله مهلک زمستان همان سال ۱۰۵۰ بیان شده است. در مقاله مذکورگفته شده است که روستای فعلی ساغالان پس از زلزله ۱۱۳۳ قمری شکل گرفته است. در ادامه ملاحظه خواهد شد، سند بازخوانی شده این مقاله که مربوط به ۱۱۴۰ قمری (حدود ۹۰ سال بعد از سفر چلبی) است، روستا را کوچک و دارای ۳۰ خانوار مشخص میکند. یعنی اینکه، سند بازخوانی شده به تاثیر زلزله ۷ سال قبل از آن بر جمعیت ساغالان صحنه میگذارد. همچنین در این مقاله، راجع به جنگها در منطقه مطالبی آورده شده که آن رخدادهای نیز به احتمال زیاد بر کم جمعیت شدن روستا در آن برهه تاریخی موثر بوده اند.

روستای ساغالان دارای ۳ مسجد، بنامهای مسجد جامع ساغالان، مسجد امام رضا و تپه مچیدی میباشد و نیز یک حسینیه دارد. تپه مچیدی همانطوریکه در مقاله چلبی و سهلان مذکور فوق آمده، قدیمترین مسجد این روستا و

اولین مسجد شیعیان در آنجاست. همچنین امامزاده ای بنام پیرموسی در روستا موجود است که در بالای تپه ای با همین نام جای گرفته است. تپه باستانی پیرموسی مربوط به دوران پیش از تاریخ و اشکانیان است و در فهرست آثار ملی کشور هم به ثبت رسیده است. لازم است ذکر شود که نام قدیمی پیرموسی را در سالهای اخیر به میرموسی تبدیل نموده اند!! در مورد آثار قدیمی ساغالان در مقاله چلبی و سهلان مطالبی آورده شده است، در اینجا فقط راجع به شهر ناشناخته گیلیخان بحث جدیدی مطرح میشود که در مقاله چلبی و سهلان بدلیل معلومات ناقص احتمال شهر بودن آنجا بسیار ضعیف دانسته شده بود! پس از اینکه اطلاع حاصل شد، در اراضی روستاهای دیگر نیز در همان حوالی صحراهایی با نام مشابه گیلیخان (گیلخان) وجود دارند، احتمال شهر بودن گیلیخان دیگر قوی گشته است.

علاوه بر ساغالان، در زمینهای روستاهای آشاغی آلوار (آلوار سفلی)، یوخاری مایان (مایان علیا) و آشاغی مایان (مایان سفلی) هم صحراهای همجوار با نام مشابه گیلیخان موجود هستند. راجع به گیلیخانهایشان روستاییان شنیده هایشان را بازگو میکنند و اغلب آنجا را شهری که بر اثر زلزله از بین رفته است، توصیف مینمایند! اشیای قدیمی نیز از گیلیخان پیدا شده اند که گویا کارشناسان غیر رسمی قدمت پیش از میلاد هم روی آنها گذارده اند! با این توضیحات منطقی به نظر میرسد هر ۴ گیلیخان را بازمانده گیلیخانی واحد بدانیم و با اتصال فرضی گیلیخانهای چهار روستا که با مشاوره افراد آگاه به اراضی منطقه بدست می آید، مساحت گیلیخان اولیه بیش از ۱۰ کیلومتر مربع تخمین زده میشود! بطور طبیعی در این محدوده نسبتا بزرگ صدها هزار نفر میتوانستند زندگی کنند! به عبارت دیگر گیلیخان به احتمال زیاد شهر بوده است و مکان تقریبی آن در شکل ۱ نشان داده شده است. در نادارلی و قوم تپه صحرائی بنام گیلیخان وجود ندارد. با وجود این در اراضی قوم تپه در سمت گیلیخان محلی باستانی بنام خاراباکند موجود میباشد و شاید با محل مورد بحث در ارتباط باشد. با این توصیفات مشخص نیست به چه علت تاکنون میراث فرهنگی و دیگر ارگانهای رسمی در مورد گیلیخان سکوت اختیار کرده اند؟! گفته میشود، یک نوع پنهانکاری رسمی راجع به گیلیخان و دیگر آثار منطقه ساغالان وجود دارد!! با اینکه گیلیخان در مسیر تبریز-گونی و تبریز-مرند بوده و در مسیر جاده معروف ابریشم قرار داشته است، اما به این نام در کتب تاریخی تاکنون برخوردی نشده است.

اهالی ساغالان به ستیزه جویی و طایفه گرایی مشهور هستند و در مورد آنان حکایات تاریخی و متنوعی در کتاب سهلان چاپ شده اند. در روستا طوایف مختلفی زندگی میکنند که در ضمیمه ۱ کتاب مذکور به آنها نیز پرداخته شده است. حداقل دو طایفه در این روستا هستند که با استدالات زیر نسلشان به اوغوزها میرسد. یکی حسینی ها هستند که خودشان را کوره سنی (کورا سنی) دانسته اند و کوره سنیها طبق معلومات ویکی پدیا از ایل چپنی اوغوزانند. دیگری، طایفه ای بنام تورکمان حسن اوشاغی که کلمه تورکمان جلوی اسم جد این طایفه (تورکمان حسن) نشاندهنده تورکمان (=اوغوز) بودن آنهاست. دیگر اینکه، بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۹۵ شمسی، تعداد خانوار ساغالان ۱۰۳۶ و جمعیتش ۳۶۶۴ نفر بوده است. اهالی روستا ترک و شیعه مذهب هستند.

در حال حاضر، ۳ مدرسه در ساغالان وجود دارد. در ۲ فضای آموزشی فعال موجود در روستا ۴ مدرسه با دانش آموزان پسر و دختر در حال تحصیل میباشد: دبستان پسرانه الهادی، دبستان دخترانه الهادی، مدرسه راهنمایی پسرانه یاسر و مدرسه راهنمایی دخترانه شهربانو. این روستای بزرگ، دبیرستان، کتابخانه، پارک و مکان ورزشی ندارد و کودک همسری در آن رایج است!

اهالی روستا به فعالیتهای کشاورزی، دامداری، فرشبافی، کار در کارخانه های نزدیک، کار در کوره های آجرپزی، مشاغل ساختمانی و غیره مشغول هستند و محصولات عمده کشاورزی آن گندم و جو می باشند.

در سال جاری (۱۳۹۹)، تحقیقات دیگری روی نام روستا انجام شده که نتیجه همان ساغالان بودن نام روستا بوده است. در فضای مجازی با اهالی روستاهای منطقه ارتباط برقرار کرده، راجع به اسم سهلان در روستای آنها، بخصوص در بین افراد کهنسال، پرس و جو گشته است. در حین یکی از این پرس و جوها بود که مشخص شد، در روستای همسایه و واقع در منطقه آجی چای تبریز یوخاری مایان، جهت اشاره به سهلان بیشتر از ساآلان و ساغالان استفاده مینمایند. بعد از فهمیدن این موضوع، در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۲۸ سفر حدود ۲ ساعته ای به آن روستا انجام شده و استفاده ساغالان در آنجا از نزدیک تحقیق و مشاهده گشته است. بار دیگر در تاریخ ۱۳۹۹/۶/۸، سفر کوتاهی به منطقه گونئی انجام گشته است. در این سفر حدود ۲ ساعته که از ساعت ۱۱ تا ۱۳ طول کشیده، به چهار روستای گونئی، واقع در بین صوفیان و نادارلی، یکی یکی روانه شده است. در روستای باغ وزیر، به سهلان ساغالان میگفتند ولی اضافه میکردند در سالهای اخیر تحت تاثیر روستاهای اطراف صوفیان به آنجا ساوالان هم میگویند. در روستای ایسمی کمر (سفید کمر)، سهلان را ساهلان و در سهسن دیزه (سرکنددیزج) روستای مذکور را ساهالان مینامیدند. اما در نعمت اله، آنجا را ساوالان و ساولان میگفتند. علاوه بر آنها، مصاحبه تلفنی کوتاهی با محمود بلوکی سهلان، یکی از اهالی ساغالان که ۸-۹ سالی به صوفیان کوچ کرده و در آنجا زندگی کرده بود انجام گرفته است و در مورد نام سهلان در صوفیان از او سؤال شده است. بلوکی در اینمورد بیان داشته، در صوفیان به آنجا ساغالان و به او هم ساغالانلی محمود میگفته اند. محمدرضا شوکتی آلوار علیا (شاعر و نویسنده) اظهارداشته، او از اهالی منطقه منطقه استفاده از کلمات ساآلان، ساغالان و ساغالان را جهت نامیدن سهلان شنیده است.

در اوایل زمستان ۱۳۹۹، گروهی در فضای مجازی متشکل از افراد روستاهای منطقه و نیز تعدادی از تحصیلکرده های ساغالان تشکیل داده شد و در گروه نامی که اهالی روستاهای مختلف، بخصوص افراد مسن، برای اشاره به سهلان بکار میبرند معین گردید. همچنین در صورت لزوم فایل های صوتی از سوی اعضا ارسال گردید. تنها تلفظهایی که جای تامل داشتند و غ (گ نرم) در آنها شبیه ترکی استانبولی ادا میشد، ساآلان (Saalan) و ساآلان (Sa:lan) بودند. ساآلان در حال حاضر لهجه رایج روستای مورد بحث میباشد، اما موقع نوشتن بایستی ساغالان نوشته شود. ساآلان تلفظ ساغالان میباشد و کشیدگی آن نخست در آن از ساآلان کمتر است. در حال حاضر این تلفظ، لهجه رایج روستای آلوار سفلی میباشد. ساآلان موقع نوشتن بایستی ساغالان نوشته شود. در دیکشنری آنلاین زیر میتوانید به تلفظهای ساغالان (Sağalan) و ساغالان (Sağlan) گوش فرا داده و تفاوتها را ملاحظه کنید:

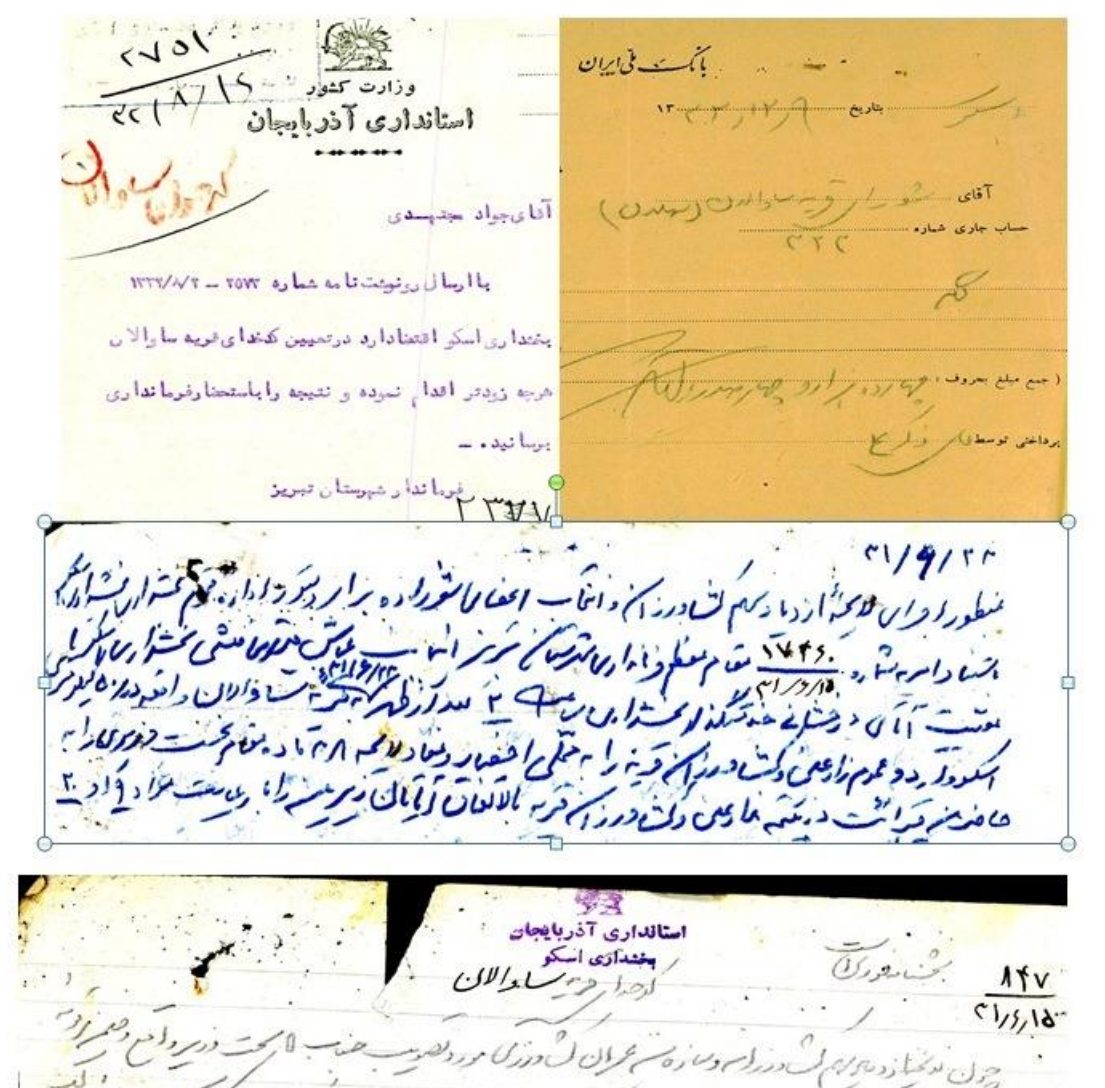
<https://ingilizce-azerice.cevirsozluk.com/ceviri15/360711058-forest#en|az|Sa%C4%9Falan%0A>
<https://ingilizce-azerice.cevirsozluk.com/ceviri15/360711058-forest#en|az|Sa%C4%9Falan%0A>

ساغالان، اسم رایج برای نامیدن سهلان در قزل دیزج، نادارلی، گروس، کلاش، ایوند، کلانکش، زین آباد، مزرعه، ترپ، سار، منور، باغ وزیر، کهل و صوفیان میباشد و در مایان علیا، زیناب، چله خانه علیا و موجومبار استفاده میگردد. همچنین با تلفظ ساآلان در زیناب، امند، کوجووار، پردیل و غیره استفاده میشود. اهالی روستاهای علیشاه، ساربانقلی، زنگی و امیر ذکریا آنجا را ساهالان مینامند. همچنین ساهالان در در زیناب شنیده میشود. در کندرود و گل آباد آنرا ساوالان می نامند. در خواجه مرجان و اندبیل روستای سهلان را ساغالان مینامند و نیز تلفظ ساآلان در روستاهای آلوار علیا، آلوار سفلی، مایان سفلی و خواجه دیزج تلفظ رایج است. همچنین ساهلان در در چله خانه علیا شنیده میشود. با وجود اینها هیچ کس مطرح نکرد که افراد مسن روستایشان ساغالان را سهلان مینامند!!

پس از جمع آوری معلوماتها، دکتر میرعلی رضایی، دکترای زبانهای ترکی و استاد دانشگاه اورمیه را به گروه مذکور دعوت نمودیم. دکتر رضایی پس از نظر انداختن به مباحث، در مورد اهمیت اسامی مطالبی بیان کردند و در مورد اسم روستای مورد بحث ما، ساغالان را تایید نمودند.

از طرف دیگر در جستجوی اسناد، به ۱۱ سند تازه برخورد شده که در آنها نامهای غیر از سهلان برای این روستا مکتوب گشته اند:

(۱) اسنادی با عنوان مشکلات دریافت بهره اربابی در روستای سهلان در اسناد ملی تبریز نگهداری میشوند که در مورد نام روستا هم جالب توجه هستند. همانطوریکه در شکل ۲ نشان داده شده، در این سندها که مربوط به اوایل دهه ۱۳۳۰ شمسی هستند، نام روستا ساوالان قید شده است. حتی در نوشتجات ارگانهای رسمی مانند استانداری آذربایجان (فرمانداری تبریز)، بخشداری اسکو، بانک ملی ایران و غیره نیز ساوالان به چشم میخورد.



شکل ۲: بریده چهار سند از اسناد اشاره شده متن که در آنها قریه ساوالان مشخص است.

(۲) نقشه ای توپوگرافی از تبریز و پیرامون مربوط به ۷۷ سال پیش که از کتابخانه دانشگاه تگزاس آمریکا میباشد موجود است که در پیچ اینستاگرام دکتر فریدون بابایی اقدام انتشار یافته است. در این نقشه که قسمتی از آن در

شکل ۳ نشان داده شده است، نام روستای مورد بحث ساهالان قید شده است. علاوه بر آن، در این نقشه روستای تازه کند با نام اولیه آن (محمود آباد) مشخص گردیده است. یاد آوری میشود، همانطوریکه در مقاله "ریشه شناسی نام روستای سهلان" آمده، در سفرنامه جیمز موریه که مربوط به بیش از ۲۰۰ سال پیش است نیز، برای روستا از ساهالان استفاده شده است. کامل نقشه را در لینک زیر مشاهده کنید:

http://legacy.lib.utexas.edu/maps/ams/iraq_and_iran/txu-pclmaps-oclc-6589753-tabriz-j-38-k.jpg



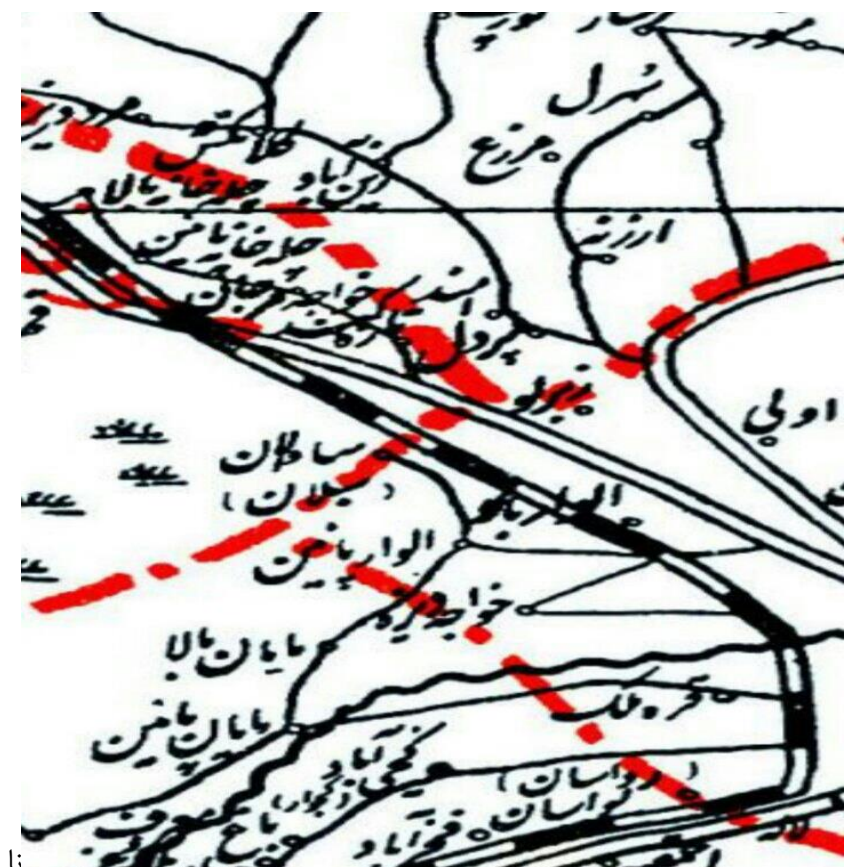
شکل ۳: بریده نقشه توپوگرافی از تبریز و پیرامون

۳) در سفرنامه ناصرالدین شاه قاجار (یادداشت‌های ناصرالدین شاه سه‌شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۲۶۸) که در سایت انتخاب منتشر شده چنین آمده است: "امروز باید برویم صوفیان ... امروز هوا صاف و آفتاب گرمی بود. دهات زیاد هم دست چپ دیده شد. اول «ساولان» مال مجتهد تبریز است. «قم‌تپه» باز وقف حضرت است؛ یک تپه‌ای بود نزدیک ده از دور پیدا بود، خاک نرم مثل طوطیا داشت به این جهت اسم این ده را قم‌تپه گذاشته‌اند. «سهلان» باز ملکی مجتهد، «نعمت‌الله» ملکی بیگلربیگی است. دهات دیگر هم دارد. ..."

در این یادداشتها، به روستای مورد بحث مقاله هم با نام ساولان اشاره شده است و هم نام سهلان! ولی نه تاریخ شفاهی گواهی بر دو تا بودن این روستا میدهد و نه جایی دو تا بودنش در زمان قاجار ثبت شده است. یعنی روستا واحد بوده است، ولی گویا اسامی مختلف مورد استفاده برای این روستا شاه مملکت را نیز گنج کرده است!!

دیگر اینکه، در این یادداشت ها نامی از روستای محمودآباد (تازه کند) نیست و به نظر میرسد در آن زمان یعنی حدود ۱۳۰ سال پیش این روستا تاسیس نشده بوده است.

(۴) یکی از کتب قابل اتکای پژوهشگران کتاب فرهنگ جغرافیایی ایران میباشد. در جلد ۴ و صفحه ۲۶۷ این کتاب نام روستای ساغالان، ساوالان قید شده است و همانطوریکه در شکل ۴ مشاهده میشود، در نقشه اش سبلان را نیز در داخل پرانتز افزوده اند؟!



شکل ۴: ساغالان در نقشه کتاب فرهنگ جغرافیایی ایران

(۵) نقشه زیر توسط آقای ناصر کریمی محقق تبریزی به ما ارسال شده است که مکان ساغالان را نشان میدهد. این نقشه روسی مربوط به سال ۱۹۲۶ میلادی میباشد. آقایان ناصر کریمی، جلیل یاری و خسرو فطرس (اهل بروجرد) که آشنا و برخی مسلط به زبان روسی هستند، همگی نام روستای مورد بحث را ساوالان خوانده اند.

منبع نقشه: Military topographic map of Caucasus region, 1926

مردم منطقه شنیده و آنرا بصورت سغالان ضبط کرده است. بنابراین، علاوه بر سآلانها که اصولا باید ساغالان نوشته میشدند، این سند دقیقا ساغالان را منعکس کرده است. بریده شده نقشه در شکل ۷ نشان داده شده اما کامل آن در لینک زیر قابل مشاهده است:

<https://www.loc.gov/item/2013593036/>

Created / Published

Berlin : Henri Kiepert, 1884.

Subject Headings

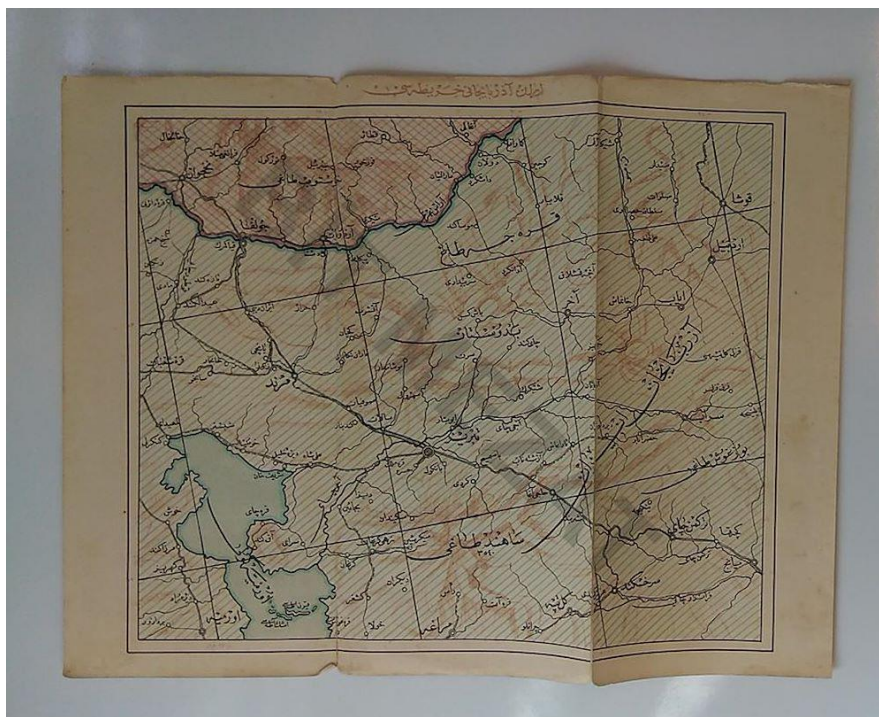
- Middle East--Maps
- Middle East



شکل ۷: قسمتی از نقشه هنری کیپرت و ساغالان

۸) نقشه شکل ۸ که آذربایجان ایران را نشان میدهد، به زبان ترکی عثمانی از اینترنت یافت شده است که تاریخ آن معین نشده است. نام روستای مورد بحث، سالان ضبط شده است ولی این کلمه منطقی باید همان سآلان (ساغالان) باشد. این نقشه مشخصا بعد از معاهده ترکمنچای و قبل از فروپاشی امپراطوری عثمانی می باشد. لینک نقشه این است:

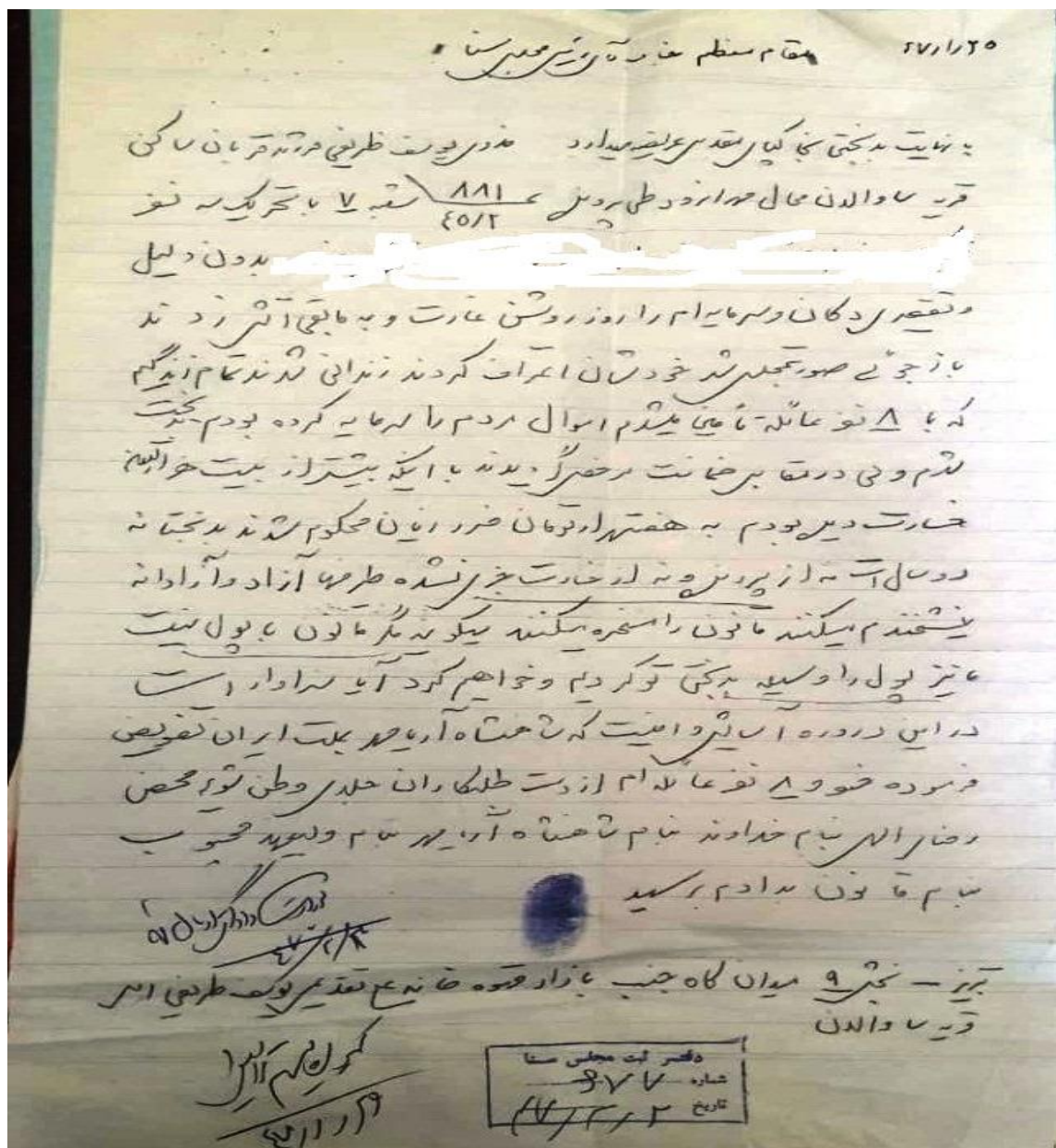
<https://d35fbhjemrkr2a.cloudfront.net/Images/Shop/31/Product/4799/26.jpg>



شکل ۸: نقشه آذربایجان ایران ترسیم شده در زمان امپراطوری عثمانی

۹) در آرشیو روزنامه انجمن تبریز که مربوط به زمان قاجار بوده و در کتابخانه مرکزی تبریز موجود است، جستجو شده است. در سال ۱۳۲۶ قمری و شماره های ۴ و ۱۳ سال سوم روزنامه انجمن تبریز اخباری راجع به روستای ساغالان و اتفاقات مربوط به جریانات مشروطیت دیده میشود. اخباری که اساسا مربوط به کشتار اهالی آنجا بوسیله عزت الله خان ماکویی (عیزو خان) میباشد. در شماره ۴ صفحه ۲ روزنامه مذکور از نام ساوالان و شماره ۱۳ صفحه ۳ از نام سهلان به روستای ساغالان اشاره شده است. این موضوع دلیلی بر یکسان سازی رضاخانی میباشد که بعدها نام رسمی آنجا سهلان گشته است.

۱۰) سندی با شماره ۱۱۰۷۱۲-۲۹۳ و عنوان شکایات اهالی قریه سهلان آباد (!) از ابوطالب که ۱۶۰ صفحه میباشد، در آرشیو ملی کشور نگهداری میشود. این سند از آرشیو ملی تقاضا شده بود ولی مسئولین آنجا سند را غیر قابل اسکن تشخیص داده اند. با وجود این توسط دوستان آقای موسی محمدی که در تهران زندگی میکند تصاویری از آنرا بدست آوردیم. در این تصاویر مربوط به سالهای ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ شمسی، لاقل پنج بار نام ساوالان جهت اشاره به روستای مورد بحث بکار رفته است. به عنوان نمونه یکی از آنها که به ژاندرمری تبریز نگاشته شده در شکل زیر نشان داده شده است.



شکل ۱۰: نامه یوسف ظریفی به رئیس مجلس سنا، در خط دوم قریه ساوالان مشخص است.

(ج) جمع بندی نهایی بحث نام روستا

(۱) ساغالان، اسم رایج برای نامیدن سهلان در قزل دیزج، نادارلی، گروس، کلاش، ایوند، کلانکش، زین آباد، مزرعه، ترپ، سار، منور، باغ وزیر، کهل و صوفیان میباشد و در میان علیا، زیناب، چله خانه علیا و موجود مبار استفاده میگردد.

(۲) ساآلان، پر استفاده ترین تلفظ نام این روستا در منطقه است که در نتیجه انداختن حرف غ از ساغالان بدست می آید. این اتفاق شبیه تلفظ بشکل باوزیر نام باغ وزیر توسط اهالی منطقه است. ساآلان موقع نوشتن بایستی ساغالان نوشته شود.

۳) ساوالان در جاهایی استفاده میشود که تبدیل حرف غ به و در لهجه آنها مشاهده میشود. ساوالان در اسناد نیز استفاده شده است و نشان میدهد مکتوب کنندگان این تلفظ احتمالا نام را از اهالی منطقه شنیده و مکتوب نموده اند.

۴) ساهالان در واقع از نرم شدن حرف غ در ساغالان به شکل ه بدست آمده است. این نام مانند ساوالان در اسناد نیز استفاده گشته و نشان میدهد کسانی که این تلفظ را مکتوب کرده اند احتمالا از اهالی منطقه شنیده و آنرا نگارش کرده اند.

۵) ساغالان، ساوالان و ساهالان هم در منطقه جهت اشاره به این روستا استفاده میشوند که بترتیب مخففهای ساغالان، ساوالان و ساهالان میباشند.

۶) نام رسمی شده سهلان برای این روستا، به نظر میرسد از کلمه ساهالان که در بالا به آن اشاراتی شد بشکل تحریف شده مکتوب گشته باشد!! با وجود این، تاکنون کتابت این نام تحریف شده بیش از هر نام دیگری به چشم خورده است که به نظر میرسد در زمانی این کلمه به کتابت وارد شده و بعد این کتابت تحریف شده از نویسندگان به نویسنده منتقل و در نگارشها مشاهده گشته است. اما سهلان نمیتواند نام این روستا باشد. زیرا اولاً، برخلاف ساغالان، ساوالان و ساهالان در گویش مردم مسن منطقه دیده نشده و غیر بومی است! شایع شدن فعلی آن هم مربوط به چند دهه اخیر و بدلیل رسمیت یافتنش است. ثانیاً، اگر فرض کنیم سهلان نام اصلی باشد، در آنصورت از آن تلفظهای ساهالان، ساوالان و ساغالان در گویش مردمانی که اسامی را ساده تر و حرف غ را به و و تبدیل مینمایند، نمیتوانند تولید گردند! جستجو شده است، اما تاکنون سهلان در هیچ نقشه قدیمی دیده نشده است و این هم دلیل دیگری بر جعلی بودن این اسم میباشد.

مطالعه استفاده نام روستا در گویش های مختلف مردمان منطقه بیان میدارد، نام اصلی این روستا ساغالان میباشد. همچنین در نقشه هنری کیپرت که مربوط به سال ۱۸۸۴ میلادی است نام این روستا ساغالان آمده است. سآالانها هم در واقع ساغالان میباشد. باتوجه به مطالب بالا (تبدیل حرف غ به و و همچنین نرم شدن غ به شکل ه) اسناد موجود با اسامی ساوالان و ساهالان نیز در واقع به ساغالان اشاره دارند.

۴) ساغالان در ۳۰۰ سال پیش

در اواخر دوره صفویه خلاء قدرت و به تبع آن بی نظمی و ناامنی در بخش های مختلف ایران بیداد می کرد. به دنبال شکست شاه سلطان حسین صفوی و سقوط اصفهان به دست محمود افغان در ۱۱ محرم سال ۱۱۳۵ هجری قمری^۱ اقتدار حاکم به طور کامل فروپاشید. دولتین روس (پتر کبیر) و عثمانی (سلطان احمد سوم) از این اوضاع نابسامان استفاده کردند و بخش های زیادی از مناطق شمالی و غربی ایران را به تصرف خود درآوردند. روس ها در زمستان سال ۱۱۳۵ هجری قمری شمال ایران (گیلان) را اشغال کردند و دولت عثمانی نیز در ۲ شوال ۱۱۳۶ هجری قمری قرارداد تقسیم ایران را با دولت روسیه امضا کرد. به دنبال این قرارداد نیروهای عثمانی به فرماندهی کوپرولو عبدالله پاشا^۲ روز دوازدهم ذیحجه ۱۱۳۶ هجری قمری به نزدیکی شهر تبریز رسیدند اما با مقاومت ۲۹ روزه مردم تبریز مواجه شدند و به سبب در پیش بودن فصل سرما مجبور به عقب نشینی به سمت گونئی گردیدند. آنها سال بعد با کمک نیروهای تازه نفس بیشتر شهر تبریز را روز ۲۰ ذی القعدة ۱۱۳۷ هجری قمری اشغال کردند. قوای عثمانی

چندین سال در تبریز ماندگار شدند تا اینکه نادرشاه افشار ظهور کرد و روز ۲۹ محرم ۱۱۴۳ هجری قمری تبریز را آزاد کرد (مینورسکی، ۱۳۳۷، ۶۱؛ پور ایران، ۱۳۸۴، ۱۴۶؛ و عربخانی، ۱۳۸۷، ۴۹۴).

اسناد و مدارک تاریخی فراوانی از این دوره به جای مانده است که حاوی اطلاعات ناگفته و ارزشمندی دربارهٔ اوضاع مملکت و شیوهٔ تعامل عثمانیان با سرزمین‌های تصرف شده در آن روزگار پرآشوب است. این اسناد در دو جا نگهداری می‌شوند: آرشیو نخست‌وزیری عثمانی^۳ و آرشیو موزهٔ کاخ توپ‌کاپی^۴.

یکی از مهمترین اسناد مربوط به این دورهٔ تاریخی دفاتر مالیاتی است. عثمانی‌ها بعد از تصرف شهرها و روستاهای مغلوب با هدف اخذ مالیات از ساکنین این مناطق اقدام به تهیهٔ دفترهای مالیاتی می‌کردند. این دفاتر «طاپو»^۵ تحریر دفتری^۶ نامیده می‌شد. هر دفتر شامل فهرست شهرها و روستاها، تعداد خانوار محله و روستا، میزان مالیات آنها و نیز نام مردان بالغ خانوارها است.

در این مقاله تلاش کرده ایم ضمن معرفی روستای تاریخی ساغالان (واقع در شمال غرب شهر تبریز، ناحیهٔ سردصحرا) نظام مالیاتی دولت عثمانی و محتوای بخش کوچکی از این دفاتر مالیاتی را بررسی نماییم. در دفاتر شمارهٔ ۹۰۴ و ۹۰۸ اطلاعات مربوط به تبریز و پیرامون به طور مفصل ثبت شده است. «طاپو»^۷ تحریر دفتری به شمارهٔ ۹۰۴ (جلد اول: دفتر مفصل لواء تبریز) که به تاریخ اول رجب ۱۱۴۰ هجری قمری^۸ در ۴۲۸ صفحه تحریر شده است (لوئیس، ۱۹۶۳، ۲۶۱؛ و اوزگودنلی، ۲۰۰۳، ۸۷). حاوی اطلاعات نواحی قدیمی لوای تبریز است.

فهرست ناحیهٔ «سردصحرا» مشتمل بر ۳۵ قریه و ۱۵ مزرعه و قصابخانه و ... در صفحهٔ ۱۰۱ این دفتر موجود است. در صفحهٔ ۱۵۵ و ۱۵۶ اطلاعات مربوط به روستای ساغالان که با عنوان «قریه سهلان» ضبط شده به تفصیل درج گردیده است.

۵) نظام مالیاتی عثمانی

نظام مالیات عرفی دولت عثمانی دارای قواعد پیچیدهٔ مخصوص خود بود. که تفاوت اساسی با نظام مالیات‌گیری ایران عهد صفوی داشت (موسوی و ستایش، ۱۳۹۷، ۱۶۷). مأموران عثمانی طبق نظام‌نامه‌های مدون و منظم از ساکنان سرزمین‌های فتح شده مالیات‌های گوناگونی را اخذ می‌کردند. در این نظام مالیاتی، رعایای روستانشین علاوه بر پرداخت مالیات زمین زراعی از بابت محصولات کشاورزی و دامی نیز خمس، عشر و ... پرداخت می‌کردند. علاوه بر این، مالیات‌های دیگری نیز از بابت حوادث و اتفاقات گوناگونی همچون عروسی، جرم و جنایت و ... بر گردهٔ رعیت ساکن روستا بسته می‌شد. این مالیات‌ها با نام «رسم»، «عادت»، «خمس»، «عشر» و ... مشخص می‌گردید. در اینجا به سه دسته مالیات مربوط به سند مورد بحث اشاره می‌شود:

الف) زمین زراعی

دهقانان برحسب مقدار زمینی که جهت کشاورزی در اختیار داشتند مبلغ معینی را به عنوان مالیات پرداخت می‌کردند. این نوع مالیات «چفت رسمی»^۹ یا «رسم چفت» نامیده می‌شد. این مالیات هم از زمین کشاورزی اخذ می‌شد و هم از خانوارهای کشاورز (احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷، ۷۷۰)؛ به این معنا که رعایایی هم که زمینی در اختیار نداشتند «چفت رسمی» پرداخت می‌کردند. میزان مالیات مربوط به هر یک از طبقات رعایا در ادوار گوناگون تاریخی و نیز در هر یک از مناطق جغرافیایی متفاوت بوده است.

- (۱) چفت: مقدار زمینی که سالانه با یک جفت گاو نر شخم زده می‌شد. این مقدار زمین نسبت به جنس خاک در جاهای مختلف تفاوت داشت.^۹ مالیات سالانه این مقدار زمین ۵۰ آغچه^{۱۰} بود.
- (۲) نیم^{۱۱}: کسانی که نصف «چفت» زمین در تصرف خود داشتند مشمول مالیات «نیم» یا «نیم چفت» می‌شدند و مالیات آنها نیز نصف مالیات «چفت» بود (۲۵ آغچه).
- (۳) بناک^{۱۲}: کشاورزی که کمتر از نیم چفت زمین در اختیار داشت مالیات «بناک» ادا می‌کرد (۱۸ آغچه).
- (۴) جبه^{۱۳}: اگر مرد متأهلی مالک زمین زراعی نبود و بر روی زمین دیگران کار می‌کرد در این رده قرار می‌گرفت و ۱۲ آغچه مالیات سالانه پرداخت می‌کرد.
- (۵) مجرد^{۱۴}: مردان مجرد فاقد زمین که دارای درآمد بودند ۶ آغچه مالیات می‌پرداختند.

(ب) محصولات زراعی و باغی

اراضی فتح شده توسط قوای عثمانی تحت ادارهٔ مأموران دولت فاتح قرار می‌گرفت و کشاورزان به عنوان مستأجر دایمی و موروثی بر روی زمین زراعی کار می‌کردند و در ازای محصولی که از آن برداشت می‌کردند سالانه مبلغی را به عنوان مالیات پرداخت می‌کردند (احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷، ۷۶۷). مالیات محصولات کشاورزی با اسامی و قواعد خاصی مشخص می‌شد:

- (۱) خمس: محصولات کشاورزی (غلات، تخم کتان و ...) شامل خمس یا پنج یک^{۱۵} می‌شد که در واقع مالیات ۲۰ درصد محصول بود.
- (۲) عشر: یا ده یک که مالیات ۱۰ درصد محسوب می‌شد شامل باغات، میوه، بستان و پنبه و ... بود. میوه و بستان و ... اگر به قصد رفع نیاز خانواده کاشته می‌شد مشمول مالیات نمی‌گردید (احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷، ۷۶۸).
- (۳) علاوه بر خمس و عشر محصولات زراعی و باغی، مالیاتی به نام «بهاء کاه» نیز از بابت کاه و علوفه اخذ می‌گردید.

(ج) مالیات‌های متفرقه

طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های جمعی و عملکردهای فردی رعایا مشمول انواع مالیات می‌شد که هر کدام اسم و رسم خاصی داشت:

- (۱) عادت اغنام: مالیاتی که از صاحبان گوسفند و بز دریافت می‌گردید.
- (۲) رسم عروسانه: به هنگام برگزاری مراسم ازدواج داماد (احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷، ۷۷۳) و یا پدر عروس (تاشکین، ۲۰۱۳، ۶۸) مبلغی را به عنوان مالیات عروسی به مأموران دولتی پرداخت می‌کردند. این مبلغ برای عروس باکره ۱۲۰ آغچه و برای عروس ثیبه^{۱۶} ۶۰ آغچه بود.
- (۳) دشتبانی: جریمه‌ای که از بابت آسیب به محصولات کشاورزی اخذ می‌شد.
- (۴) طاپوی زمین: مبلغی که از بابت هزینهٔ ثبت سند تصرف زمین دریافت می‌شد.
- (۵) نیابت: مالیاتی که در برابر خدمات ارائه شده توسط کارکنان دولت اخذ می‌گردید.
- (۶) جرم و جنایت: مالیات اخذ شده از مجرمان با توجه به نوع جرم و توان مالی مجرم.
- (۷) مژدهٔ عبدِ آبق^{۱۷} و یاوه^{۱۸} و قاچقون^{۱۹} و غیرها^{۲۰}: مبلغی که از بابت پیدا شدن عبد آبق (بردهٔ فراری)، یاوه و قاچقون (حیوان فراری) از مالک برده یا حیوان اخذ می‌شد.

۸) باد هوا^{۲۱}: رعایایی که زمینی در اختیار نداشتند و به مشاغل تجاری می‌پرداختند شامل مالیات باد هوا می‌شدند (پاکالین، ۱۹۷۱، جلد ۳، ۲۹) در منابع دیگر باد هوا را مجموعه‌ای از مالیات‌های متفرقه (شامل موارد فوق) تعریف کرده‌اند (تاشکین، ۲۰۱۳، ۶۷).

۶) تحلیل محتوا

اسامی سرپرستان خانوار و نوع مالیات آنها در قریه ساغالان طبق جدول ۱ می‌باشد که بازنویسی شده آنها در جدول ۲ آمده است. از آنجا که اسامی افراد بدون نقطه و به طرزی خاص نوشته‌اند خوانش برخی از آنها دشوار بوده است. فهرست سرپرست خانوارهای ساغالان شامل نام ۳۳ مرد بالغ است که به تفکیک وضعیت تصرف زمین کشاورزی ثبت شده است. توجه به اسامی رعایای ساکن در روستای ساغالان نوع مذهب و زبان رایج در این آبادی را آشکار می‌سازد. وجود نام‌هایی همچون علی قلی، علی یولداش، علی وئردی، امام وئردی، حق وئردی، ارسلان، آغا خان، قره خان، امیر بگ و حیدر بگ بیانگر حضور تاریخی ترکان شیعه در این آبادی است.

در این سیاهه ذیل اسامی افراد به نوع مالیاتی که هر فرد پرداخت می‌کرد نیز اشاره شده است که حاصل جمع آنها عبارت است از: چفت ۱۰ نفر، نیم ۳ نفر، بناک ۱۲ نفر، جبه ۶ نفر و مجرد ۳ نفر. همانطور که در تصویر سند شماره (۱) مشاهده می‌شود سه نفر از این مردان بالغ، مجرد هستند. حال با این فرض که کسی از اهالی روستا از پرداخت مالیات معاف نشده است^{۲۲} می‌توان گفت که در سال سرشماری در روستای ساغالان ۳۰ خانوار (با فرض هر خانوار ۵ نفر، حدود ۱۵۰ نفر) زندگی می‌کردند.

علی پناه ولد حبیب چفت	علی یولداش برادر او بناک	علی دوست ولد محب علی چفت	؟؟؟ ولد ؟؟؟ چفت	ارسلان ولد سام قلی چفت
طاهر بگ ولد او مجرد	آغا بابا ولد رسول چفت	آغا میرزا برادر او بناک	علی اکبر ولد محمدنبی چفت	علی قلی برادر او بناک
نصیر ولد ؟؟؟ چفت	صفی ولد مراد جبه	علی خان برادر او بناک	عابدین ولد امام وثردی چفت	؟؟؟ ولد امیر بگ بناک
طاهر خان ولد ؟؟؟ چفت	فاضل ولد حیدر بگ بناک	شاه رضا ولد آغا میرزا بناک	حاجی صادق ولد الله قلی بناک	آغا خان ولد ؟؟؟ چفت
علی ولد ؟؟؟ بناک	احمد ولد قلی خان جبه	شیخعلی ولد صالح مجرد	میرزا احمد ولد حق وثردی بناک	علی وثردی ولد ؟؟؟ وثردی بناک
علی وثردی ولد ؟؟؟ وثردی بناک	قربان علی ولد محمد علی جبه	وفادار ولد ؟؟؟دار جبه	نوری ولد ؟؟؟ جبه	قره خان ولد ؟؟؟ مجرد
محمد قلی ولد رضا نیم	امام وثردی ولد خلیفه قلی جبه	محمد قلی ولد ؟؟؟ نیم		

جدول ۲: بازنویسی اسامی سرپرستان مرد قریه ساغالان

در جدول ۳ تحت عنوان «حاصل خمس غلات» میزان مالیات اخذ شده از ساکنان روستای ساغالان به تفکیک نوع، مقدار و قیمت درج گردیده است. لازم به ذکر است که بین آمار درج شده در لیست سرپرستان خانوارها و ارقام مربوط به بخش «حاصل خمس غلات» ناهماهنگی وجود دارد. به این صورت که در فهرست سرپرستان نام ۳۳ نفر نوشته شده است حال آنکه حاصل جمع ارقام مربوط به مالیات‌دهندگان زمین ۳۴ نفر است. همچنین در فهرست سرپرست‌ها ارقام مربوط به نیم، بناک و جبه به ترتیب ۳، ۱۲ و ۸ است در حالی که در بخش نهایی این ارقام به ترتیب صفر، ۱۵ و ۶ نفر ذکر شده است. این ناهماهنگی بین ارقام ممکن است مربوط به خطای کاتبان یا مستوفیان باشد.

جدول ۳: حاصل خمس غلات

چفت ۱۰ قیمت ۵۰۰	بناک ۱۵ قیمت ۲۷۰	جبه ۶ قیمت ۷۲	مجرد ۳ قیمت ۱۸	حنطه ۲۳ ۱۰۰ کیله ۲۴ قیمت ۴۰۰
شعیر ۲۵ ۵۰ کیله قیمت ۱۵۰۰	ارزن ۲۰ کیله قیمت ۴۰۰	زگرک ۲۶ ۱۰ کیله قیمت ۲۰۰	عادت اغنام ۱۶	رسم عروسانه باکره ۱۲۰ ثیبه ۶۰ قیمت ۱۸۰
دشتبانی و طاپوی زمین ۵۰۰	بهاء کاه ۲۰۰	نیابت و جرم جنایت و باد هوا و مژده عبد آبق و یاوه و قاچقون و غیرها ۱۲۰۰		

یکون ۲۷ ۹۰۵۶

جدول ۴: بازنویسی شده حاصل خمس غلات

تفکیک و تنظیم مقولات ثبت شده در جدول فوق تصویر مناسبی از اوضاع اقتصادی و معیشتی ساکنان روستای ساغالان در آن دوره تاریخی فراهم می‌سازد. آمارهای ثبت شده در ردیف اول سیاهه فوق حاکی از آن است که ۲۵ دهقان ساکن روستای ساغالان که زمین در اختیار داشتند سالانه ۸۶۰ آغچه از بابت اراضی کشاورزی مالیات پرداخت کرده‌اند (۹ نفر از ۳۴ سرپرست خانوار فاقد زمین زراعی بودند). همانطوریکه در جدول ۵ نشان داده شده، با این فرض که «چفت» معادل «دو خروار» یا ۵۰ هزار متر مربع زمین کشاورزی است و «نیم» معادل «یک خروار» یا ۲۵ هزار متر مربع و «بناک» نیز به طور متوسط نصف «نیم» یعنی «نیم خروار» یا ۱۲ هزار و پانصد متر مربع زمین است مساحت تقریبی زمین‌های زیرکشت ساغالان در آن سال کمتر از ۷۰ هکتار بوده است. بیش از هفتاد درصد این زمین‌ها در اختیار ۱۰ نفر بود که حاکی از وجود نابرابری اقتصادی در بین رعایا است.

نوع مالیات	نفر	فی (آغچه)	قیمت (آغچه)
چفت	۱۰	۵۰	۵۰۰
نیم	۰	۲۵	۰
بناک	۱۵	۱۸	۲۷۰
جبه	۶	۱۲	۷۲
مجرد	۳	۶	۱۸
مجموع	۶۲	---	۸۶۰

جدول ۵: مجموع

این کشاورزان، مطابق جدول ۶، از بابت خمس غلات و تخم کتان ۶۱۰۰ آغچه مالیات پرداخت کرده‌اند. با ضرب این مقادیر بر عدد ۵ مقدار تولیدات کشاورزی در آن سال به دست می‌آید: ۲۲.۵ تن غله و تخم کتان.

محصول	خمس (کیله)	فی (آغچه)	قیمت (آغچه)	مقدار تولید (کیله)	مقدار تولید (تن)
گندم	۱۰۰	۴۰	۴۰۰۰	۵۰۰	۱۲.۵
جو	۵۰	۳۰	۱۵۰۰	۲۵۰	۶.۲۵
ارزن	۲۰	۲۰	۴۰۰	۱۰۰	۲.۵
زگرک	۱۰	۲۰	۲۰۰	۵۰	۱.۲۵
مجموع	---	---	۶۱۰۰	۹۰۰	۲۲.۵

جدول ۶: مالیات از بابت خمس غلات و تخم کتان

همچنین دامداران روستای ساغالان ۱۶ آغچه از بابت «عادت اغنام» پرداخت کرده‌اند. مبلغ اندک مالیات مربوط به دامداران بیانگر تعداد کم دام و رکود دامپروری در این دوره تاریخی است.

علاوه بر موارد مذکور مالیات «بهاء کاه» (۲۰۰ آغچه) نیز از بابت کاه محصولات کشاورزی دریافت گردیده است. مالیات «دشتبانی و طاپوی زمین» نیز شامل ۵۰۰ آغچه و رسوم «نیابت و جرم جنایت و باد هوا و مؤدۀ عبدِ اَبَق و یاوه و قاجقون و غیرها» ۱۲۰۰ آغچه بوده است. علاوه بر این از بابت «رسم عروسانه» ۱۸۰ آغچه اخذ گردیده است. از آنجا که در سیاهه مالیات بقیه آبادی‌ها نیز ۱۸۰ آغچه مالیات عروسانه ثبت شده است به نظر می‌رسد مقدار این مالیات ارتباطی با تعداد عروسی در یک آبادی نداشته باشد. نکته قابل تأمل در این گزارش مالیاتی فقدان مالیات باغات، میوه و بستان و دیگر مالیات‌های مربوط به باغداری و جالیز است که بیانگر فقدان محصولات باغی و جالیز در این آبادی است.

در مجموع مأموران دولت عثمانی در سال ۱۱۴۰ هجری قمری مبلغ ۹۰۵۶ آغچه به عنوان مالیات از ساکنان روستای ساغالان دریافت کرده‌اند.

۶) نتیجه‌گیری

توپونیمها (اسم مکانها) نقشی بی بدیل در هویت بخشی به مکان و ساکنان آن بازی میکنند. این بررسی نشان داد ساغالان نام اصلی روستای مورد بحث ما میباشد. شایسته است به جای اسم غیرواقعی و غیربومی سهلان از این نام استفاده گردد. ساغالان میتواند بطرقی غیر از آنچه ما نگاشته ایم ریشه شناسی شود اما این نام با گذشته این مکان در ارتباط است.

بازخوانی و واکاوی اسناد تاریخی موجود در آرشیوهای کشورهای همسایه نقش مهمی در بازشناسی گذشته یک کشور ایفا می‌کنند. بررسی اطلاعات درج شده در دفاتر مالیاتی عثمانی موجب شناخت بیشتر نظام مالیاتی پیچیده، منظم و سفت و سخت دولت عثمانی (و مقایسه آن با نظام‌های مالیاتی ایران) می‌گردد. همچنین اعداد و ارقام شفاف و دقیق این دفاتر به همراه محتوای غنی آنها چشم‌انداز وسیعی را به گذشته این مرز و بوم، شیوه معیشت و سبک زندگی آبا و اجداد ما باز می‌کند. آمارهایی که نشانگر رکود دامپروری و تداوم زراعت در دوره تاریخی مربوط به حضور عثمانیان در آذربایجان است.

این نوشته تلاشی است برای شناخت گذشته یکی از قراء پیرامون شهر تبریز است. اطلاعات مربوط به تمام محلات قدیمی تبریز و دیگر شهرها و روستاهای آذربایجان و مناطق غربی ایران در این دفاتر و دیگر اسناد تاریخی موجود در آرشیوهای ترکیه با جزئیات دقیق ثبت و ضبط گردیده و منتظر نگاه تیزبین و پراشتیاق پژوهشگران و محققان است.

منابع

- ۱- ماهنامه ائل بیلیمی، چاپ تبریز، ویژه نامه سهلان، شماره ۷۸، سال ۱۳۹۵
- ۲- ماهنامه ائل بیلیمی، چاپ تبریز، شماره ۱۱۶، سال ۱۳۹۸
- ۳- کتاب سهلان (حیکایه و شعر توپلوسو)، قدرت ابوالحسنی سهلان، انتشارات یاس بخشایش، چاپ اول ۱۳۹۶
- ۴- ویکی پدیا (کره‌سنی)
- ۵- اسناد ملی تبریز، مشکلات دریافت بهره اربابی در روستای سهلان، شماره سند ۹۵/۳۳۹/۴۷۱

۶- پیچ اینستاگرام دکتر فریدون بابایی اقدم: dr.babaie

۷- سایت انتخاب (<https://www.entekhab.ir>)

یادداشت‌های ناصرالدین‌شاه سه‌شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۲۶۸

۸- فرهنگ جغرافیائی ایران (آبادیه)، جلد ۴، استان ۳ و ۴ آذربایجان، انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، مهرماه ۱۳۳۰، سرتیب حسینعلی رزم آرا.

۹- احسان اوغلو، اکمل‌الدین و دیگران (۱۳۹۷) **دولت و جامعه در دوره عثمانی (جلد نخست: تاریخ)**، ترجمه علی کاتبی و توفیق هاشم‌پور سبحانی، تهران، کتاب مرجع.

۱۰- پور ایران، عباس (۱۳۸۴) **روابط ایران و عثمانی در عهد صفویان**، مشهد، دستور.

۱۱- سلماسی‌زاده، محمد و یاخشی خانم نصیراوا (۱۳۹۲) **بازشناسی یک منبع دست اول برای تاریخ اجتماعی ایران (نسخه خطی دفتر مفصل لوای ایالت ارومیه و خلخال)**، گنجینه اسناد، دوره ۲۳، شماره ۲، صص ۶-۲۱.

۱۲- عربخانی، رسول (۱۳۸۷) **فهرستی از معاهدات ایران و عثمانی از دوره صفویه تا قاجاریه**، پیام بهارستان، شماره ۱ و ۲، ۴۹۸-۴۹۳.

۱۳- مقدم، علیرضا (۱۳۸۹) **وقف‌نامه زاویه بکتاشی در خوی**، موقوفات، وقف میراث جاویدان، شماره ۷۰، ۱۰۹-۱۲۴.

۱۴- موسوی، میرصمد و سیمین ستایش (۱۳۹۷) **بازشناسی تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایالت روان براساس مقایسه نسخه خطی دفاتر تحریر «لوای روان» در دو مقطع ۹۹۸ و ۱۱۳۹ق/ ۱۵۹۰ و ۱۷۲۷م**، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، شماره ۱۰۶، صص ۱۷۴-۱۵۳.

۱۵- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۳۷) **تاریخ تبریز**، ترجمه عبدالعلی کارنگ، تبریز، چاپخانه شفق.

۱۶- یاری، جلیل (۱۳۹۸) **کوجووار در ۳۰۰ سال پیش**، غروب، شماره ۱۴: ۳۲۶-۳۳۱.

17- **Tapu Tahrir Defteri 904** (1728), İstanbul, Başbakanlık Osmanlı Arşivi.

18- Bilgili, Ali Sinan (2009) **Devletlik Pir; Şeyh Safiyyüddin-i Erdebilî Vakfı**, Türk Kültürü ve Hacı Bektaş Veli, 49: 47-94.

19- Lewis, Bernard (1963) **Registers on Iran and Adharbayjan in the Ottoman Defter-iKhaqhani**, in Mélanges Henri Massé, Tehran 1963, pp. 259-63.

20- Özgüdenli, Osman Gazi (2003) **Osmanlı İranı (I); Batı İran ve Azerbaycan Tarihi Hakkında Osmanlı Tahrir Kayıtları; Coğrafi ve İdari Taksimat**, Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Tarih Bölümü Tarih Araştırmaları Dergisi, 34: 83-106.

21- Pakalın, Mehmet Zeki (1971) **Osmanlı Tarih Deyimleri ve Terimleri Sözlüğü**, İstanbul, Milli Eğitim Bakanlığı Basımev, Cilt 2.

22- Taşkın, Ünal (2013) **Rüsûm-i Örfiye**, Tarih Okulu, 14: 55-73.

و منابع شفاهی (سال تولد، محل تولد، میزان تحصیلات): محمدعلی جمالی نظرلو (۱۳۴۱)، نظرلو، پنجم ابتدایی)، احمد آیدین‌فر (۱۳۵۸)، قوم‌تپه)، فرامرز ابیضی الوار (۱۳۴۵)، آلوار سفلی، بیسواد)، رضا محمدی (۱۳۶۴)، مایان علیا، فوق‌دیپلم)، محمد شعوری (۱۳۷۰)، مایان علیا، فوق‌لیسانس)، محمد رضایی (۱۳۶۱)، مایان سفلی، دیپلم)، بهداد تقوی (۱۳۶۴)، باغ‌وزیر، دیپلم)، حاج مقصود عیدی باغ‌وزیر (۱۳۵۱)، باغ‌وزیر، دیپلم)، مشهدی خلیل جوهری (۱۳۰۹)، سفیدکمر، بیسواد)، میرداود موسوی مقدم (۱۳۲۱)، سرکنددیزج، بیسواد) و کربلایی محمود

جوادزاده (۱۳۱۴، سرکنددیزج، بیسواد)، افراد راضی به انتشار اسمشان نشدند (نعمت اله)، علیرضا دبیری پور (۱۳۸۰، قزل دیزج، دیپلم)، صادق شریفی (۱۳۶۰، علیشاه، دیپلم)، ابوالقاسم راثی (۱۳۳۰، ساربانقلی، ششم ابتدایی)، حسینقلی علی نژاد (۱۳۵۴، زیناب، دیپلم)، محمد حسین زاده (۱۳۶۴، زنگی، پنجم ابتدایی)، فیروز عبادی (۱۳۳۷، کهل، سیکل)، محمدرضا راعی (، گروس،)، اکبر شایسته مهر (۱۳۴۶، چله خانه علیا، سیکل)، یونس نجاری (۱۳۵۱، موجومبار، سیکل)، داود آفرین سار (۱۳۵۱، سار، دیپلم)، محمدعلی روشنی صوفیانی (۱۳۴۰، صوفیان، پنجم ابتدایی)، ولی فروغی پردیل (۱۳۵۳، تبریز، دیپلم)، نقی فدایی اندبیل (۱۳۵۰، اندبیل، دیپلم)، مجید مراد زاده ترپ (۱۳۵۴، ترپ، دیپلم)، احمد قاسمی (؟، ایوند، ؟)، رسول زمردی مزرعه (۱۳۶۴، مزرعه، دیپلم)، مجید قهرمانی (۱۳۶۰، کلاش، فوق لیسانس)، صمد نژاد زین آباد (۱۳۵۸، زین آباد، دیپلم)، اکبر قوام کلانکش (۱۳۵۱، کلانکش، سیکل)، امیر نظمی امند (۱۳۶۲، امند، فوق دیپلم)، اکبر خدا وئردی امیر ذکریا (۱۳۶۲، امیر ذکریا، پنجم)، علیرضا رجب زاده گل آباد (۱۳۵۱، گل آباد، چهارم ابتدایی)، رستم شعله کندری (۱۳۴۴، کندرود، لیسانس)، قادر خردمند (۱۳۶۰، خواجه دیزج، بیسواد)، علی رونده منور (۱۳۲۹، منور، فوق دیپلم)، محمد کاظمی (۱۳۴۷، خواجه مرجان، پنجم ابتدایی)، جلیل یاری کوجووار (۱۳۵۷، دانشجوی دکتری، تبریز)، محمد رضا شوکتی (۱۳۵۱، آلوار علیا، دیپلم) و غیره.

^۱ پنجشنبه ۳۰ مهر ۱۱۰۱ هجری شمسی

^۲ Köprülü Abdullah Paşa

^۳ Başbakanlık Osmanlı Arşivleri

^۴ Topkapı Saray Müzesi Arşivi

^۵ *tapu*: به معنای اطاعت و انقیاد است اما در اصطلاح دیوانی به سند حق تصرف اشاره دارد (پاکالین، ۱۹۷۱، جلد ۳، ۳۹۹).

^۶ Tapu Tahrir Defteri

^۷ پنجشنبه ۲۳ بهمن ۱۱۰۶ هجری شمسی

^۸ çift resmi

^۹ مقدار زمینی که یک جفت گاو می‌توانست شخم بزند بستگی به میزان سفتی خاک داشت. در روستای ساغالان یک جفت گاو روزانه حدود ۱۰ «باتمان» زمین (۲۵۰۰ متر مربع) را شخم می‌زد. اگر تعداد ایام شخم‌زنی را حدود پنجاه روز فرض کنیم مقدار یک «چفت» زمین حدود ۵۰ هزار متر مربع یا دو خروار زمین خواهد بود.

^{۱۰} آغچه یا آقچا / *akçe*: سکه نقره‌ای مرسوم در عثمانی.

^{۱۱} nim

^{۱۲} bennak

^{۱۳} cebe

^{۱۴} mücerred

^{۱۵} این خمس غیر از خمس شرعی است.

^{۱۶} ثیبه / *səyyebə*: زنی که شوهر خود را به سبب مرگ یا طلاق از دست داده باشد.

^{۱۷} بنده‌ای که به قهر از مولای خود گریخته است.

^{۱۸} حیوان پیدا شده

^{۱۹} انسان پیدا شده

^{۲۰} müjde-i abd-ı abik ve yave ve kaçkun

^{۲۱} باد هوا / *Bad-ı Heva*: کلمه *bedava* به معنای «رایگان» نیز شکل دیگری از این واژه است.

^{۲۲} گاهی برخی افراد (کدخدا، آخوند، مؤذن، سید و ...) از پرداخت مالیات معاف می‌شدند.

^{۲۳} گندم

^{۲۴}کیله /kile/: واحد اندازه‌گیری غلات و حبوبات است. کیلهٔ استانبول حدود ۲۵ کیلوگرم است (پاکالین، ۱۹۷۱، جلد دوم، ۲۸۱).

^{۲۵}جو

^{۲۶}زگرگ /zekerek/: تخم کتان یا بزَرک که در آذربایجان به شکل زَیَرک /zəgərək/ تلفظ می‌شود.

^{۲۷}حاصل جمع